

## **The stages of the progress of Islam in the prophetic era in Medina with an emphasis on verse 29 of Surah Fatah**

**Mahboubeh MousaeiPour<sup>\*</sup>, Ghasem SadeghPour<sup>\*\*</sup>**

**Ali Mohammad Mirjalili<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

With the migration of the Prophet and the Muslims to Medina, Certainly, this progress did not happen at once, but it was gradual and came to fruition through some stages. there was a huge change in the history of Islam and the world; Since the Prophet's life in Medina has been associated with the gradual revelation of the Holy Qur'an, this article seeks to follow and review the evolution of Islam in the era of the presence of the Prophet in the last verse of Surah al -Fath the Prophet Medina, using hermeneutics, the history of the prophetic era, and the Prophet's tradition. Hijra from Mecca to Medina has made the Islamic State and Hadibiyah the prelude to the globalization of the Islamic State. With the Prophet's entry into Medina, the material structure (mosque building) and the spiritual structure (content of the Qur'anic suras and cohesion with different treaties) formed Islamic government, and the change in Medina took place in two stages: the establishment of the government, Islam and State of Government –City( so they grow firm and stand upon their stalks) and the World Invitation Stage

\* member of faculty of payame noor university, Tehran, iran, (Corresponding Author)  
m.mousaeipour@pnu.ac.ir

\*\* Student of Quran and Hadith Sciences, iran, University maybod, sadeghpoorb@gmail.com

\*\*\* member of faculty, iran, University maybod, almirjalil@meybod.ac.ir

Date received: 2022/11/10, Date of acceptance: 2023/03/19



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

and Stabilization of Government -Ummah (delighting the sowers - so that He [Allāh] may enrage by them the disbelievers).

**Keywords:** Holy Quran, last verse of Surat al-Fath, progress, prophetic era, gradual revelation , emigration, Peace of Hdaybiyah.



پرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی(ص) در مدینه با تأکید بر آیه ۲۹ سوره فتح

محبوبه موسایی پور\*

قاسم صادق پور\*\*، علی محمد میرجلیلی\*\*\*

### چکیده

با هجرت پیامبر(ص) و مسلمانان به مدینه تحول عظیمی در تاریخ اسلام و جهان رخ نمود. به یقین این پیشرفت به یکباره اتفاق نیفتاد، بلکه امری تدریجی بود و طی مراحل به ثمر نشست. بدین قرار و از آنجا که زندگی پیامبر(ص) در مدینه با نزول تدریجی قرآن کریم همراه بوده است، این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با تأمل در آخرین آیه سوره فتح، درصدد است تا مراحل تحول و پیشرفت اسلام را در عصر حضور پیامبر اکرم(ص) در مدینه بر اساس آیه مذکور و با استفاده از علم تفسیر، تاریخ عصر نبوی و سیره پیامبر(ص) مورد بررسی و تطبیق قرار دهد. براساس این تطبیق میتوان گفت؛ هجرت از مکه به مدینه زمینه ساز حکومت اسلامی و صلح حدیبیه مقدمه جهانی سازی حکومت اسلامی شد. با ورود پیامبر به مدینه ساختار مادی (بنای مسجد) و ساختار معنوی (محتوای بخشی با نزول تدریجی سوره های قرآن و انسجام بخشی با پیمان های مختلف) حکومت اسلامی شکل گرفت و تحول در مدینه در دو مرحله اتفاق افتاد: مرحله تأسیس حکومت اسلامی و شروع دولت - شهر

\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،  
m.mousaeipour@pnu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران،

sadeghpoorb@gmail.com

\*\*\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران، almirjalil@meybod.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸



(فَاسْتَعِظْ فَاستَوْى عَلَى سُوْقِهِ) و مرحله دعوت جهانی و تثبیت دولت - امت (يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ).

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، آیه آخر (۲۹) سوره فتح، پیشرفت، عصر نبوی، نزول تدریجی، هجرت، صلح حدیبیه.

## ۱. مقدمه

رسالت اصلی پیامبران ساختن فرد سالم و جامعه سالم و به عبارت دیگر، تربیت انسان‌ها و ارتقای جامعه است چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) (حدید، ۲۵) همانا پیامبران‌مان را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

با هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه تحول عظیمی در تاریخ رخ داد، حکومت اسلامی پایه‌ریزی شد و پیشرفت جامعه نوپای اسلام شروع گردید که تأثیر آن بر تمدن‌های عالم شگفت‌انگیز است. یقیناً این پیشرفت به یک‌باره اتفاق نیفتاد، بلکه امری تدریجی بود و طی مراحل به ثمر نشست. از آنجایی که زندگی پیامبر (ص) با قرآن کریم ارتباط تنگاتنگی داشته است، این مراحل با مطالعه آیات قرآنی و به‌ویژه، با تأمل در آیه آخر (۲۹) سوره مبارک فتح که اشاره به چگونگی پیشرفت جامعه اسلامی در زمان آن حضرت دارد، بدست خواهد آمد. حال پرسش این است که تحول و پیشرفت اسلام در عصر نبوی در دوران حضور پیامبر اکرم (ص) در مدینه، با نزول چه آیات و سوره‌هایی اتفاق افتاده و در چند مرحله طراحی شده است؟

## ۲. پیشینه بحث

درباره تحول و پیشرفت عصر نبوی (ص) و الگوسازی آن، نوشتارهایی پدید آمده است ولی درباره مراحل پیشرفت عصر حضور پیامبر اکرم (ص) در مدینه چند نوشتار به شرح زیر یافت شده است:

۱- سیدجعفر مرتضی عاملی در «الصحيح من سيرة النبي الأعظم» دعوت پیامبر (ص) در مدینه را دو مرحله شرح می‌دهد: مرحله دفاع از دعوت با شمشیر تا صلح حدیبیه و مرحله جنگ با مخالفان اسلام؛ نامبرده اشاره به آیات قرآنی ندارد.

مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی (ص) ... (محبوبه موسایی پور و دیگران) ۱۲۷

۲- محمدعابد جابری در «فهم القرآن الحکیم: التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول» بر اساس ترتیب نزولی که خودش استنباط کرده، سُورَ مکی را شش دوره و سُوره‌های مدنی را یک دوره قرار داده است. وی بیش‌تر بر ارتباط سُور تکیه دارد و به مراحل پیشرفت عصر نبوی اشاره‌ای نکرده است. این کتاب توسط محسن آرمین به فارسی با عنوان «فهم قرآن حکیم» ترجمه شده است.

۳- محمدهادی یوسفی‌غروی در «موسوعة التاریخ الاسلامی» دوره زندگی پیامبر (ص) را در شش فصل همراه با ترتیب نزول سُورِی که در آن نازل شده، بحث کرده است؛ بدون این که اشاره‌ای به تحول و پیشرفت عصر نبوی داشته باشد.

۴ و ۵- عبدالکریم بهجت‌پور در کتاب «درآمدی بر اصول تحول فرهنگی با الهام از نزول تدریجی قرآن» و مقاله «پیشرفت جامعه اسلامی در قرآن، عرصه‌ها و راهکارها» مراحل تحول و پیشرفت در عصر حضرت رسول (ص) را به چهار دوره (دو دوره در مکه و دو دوره در مدینه) به طور گذرا بیان کرده است؛ ولی در این تحقیق، دو مرحله پیشرفت همگام با نزول سوره‌ها و شواهد تاریخی مستدل شده است.

۶- محمدرضا رنجبر در پایان‌نامه «الگوی دولت‌سازی نبوی (ص) بر اساس تفسیر تنزیلی قرآن کریم» الگوگیری از نظام نبوی را در سه گام مورد بررسی قرار داده است. در گام اول (فصل دوم پایان‌نامه) با بیان ایده‌ها و معیارهای دولت‌سازی در سیر نزول سُورِ مکی، ادعای برخی از اندیشمندان که اسلام اولیه در سُورِ مکی را عاری از اندیشه سیاسی و دولت‌سازی می‌دانند، رد کرده و این مرحله (از ابتدای بعثت تا هجرت) را گام اول دولت‌سازی (مبادی و تمهیدات اندیشه‌ای دولت‌سازی) دانسته است. در گام دوم تأسیس و انسجام‌بخشی درونی دولت و در گام سوم تثبیت و توسعه دولت‌سازی نبوی (ص) را با توجه به سیر سُورِ مدنی مورد بحث قرار داده است؛ ولی این تحقیق بر آن است که بعد از هجرت پیامبر و ورود به مدینه حکومت تأسیس و دولت - شهر مستقر شده است و در مرحله دوم بعد از صلح حدیبیه، مقدمات جهانی‌سازی حکومت اسلامی فراهم شد.

۷- مجید چهری و عبدالکریم بهجت‌پور در مقاله «تحلیلی بر ساختار و آسیب‌شناسی جامعه نبوی» بر اساس آیه ۲۹ سوره فتح، درباره نخستین مرحله شکل‌گیری جامعه نبوی در مدینه و آسیب‌شناسی عهد و پیمان در آن با استناد به آیات سوره بقره بحث کرده است؛ اما به مرحله دوم پیشرفت در مدینه بر اساس آیات، اشاره‌ای نکرد.

این تحقیق بر آن است تا پس از مفهوم‌شناسی و با توجه به آیه ۲۹ سوره فتح، مراحل دوگانه پیشرفت در مدینه عصر نبوی را با توجه به سیر نزول تدریجی قرآن کریم بررسی کرده و هر یک از این دو مرحله را با استناد به آیات قرآنی و شواهد تاریخی ارائه کند.

### ۳. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث، شناسایی چند مفهوم لازم است:

#### ۱.۳ توسعه و پیشرفت

برای واژه «پیشرفت» مترادف‌هایی مثل تحول، توسعه، تغییر، تکامل، ترقی، شکوفایی، رشد و نوسازی قابل تصور است که در این بین دو واژه توسعه و پیشرفت بیش‌تر مورد توجه است.

توسعه واژه‌ای عربی و مصدر باب تفعیل از «وَسَّعَ، یَسَّعُ سَعَةً» نقیض ضیق و تنگدستی است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۸، ص ۳۹۲) به معنای گسترش و زیاد شدن (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۹، ص ۱۹۰) به معنای گشاد کردن، فراخ کردن و اسم مصدری به معنای فراخی و گشایش است و با پیدا کردن و دادن و یافتن بکار می‌رود. (معین، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۱۶۵؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۵، ص ۶۲۵). معادل انگلیسی آن «Development» است.

اما در اصطلاح واژه توسعه خود در حال تحول معنایی است. ابتدا در معنای صرف اقتصادی بکار می‌رفت. سپس به معنای «بهبود زندگی اجتماعی» توسعه یافت و در ادامه، برخی از این واژه تعریف جامعی که جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را دربر داشته باشد، به صورت ذیل ارائه کردند: جریانی چند بُعدی که تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، تسریع رشد اقتصادی و بینش سیاسی را دربرداشته باشد، توسعه گویند. (ساعی، ۱۳۸۱: صص ۱۸-۲۱؛ لهسایی‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۱۰)

پیشرفت در لغت واژه‌ای فارسی است و مرکب از دو کلمه «پیش» و «رفت» به معنای ترقی و در مقابل پسرفت است. به صورت مصدر «پیشرفتن» به معنای جلو رفتن، حرکت کردن به سوی مقابل، ترقی کردن، به حضور کسی رفتن، بکار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۴، ص ۵۲۲۴؛ معین، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۹۲۵) و معادل انگلیسی آن «Progress» است.

پیشرفت از نظر اسلام مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی بوده و فراگیر و همه‌جانبه است، هم امور مادی را در نظر دارد و هم امور معنوی را، هم مباحث اقتصادی مورد نظر است و هم امور

مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی (ص) ... (محبوبه موسایی پور و دیگران) ۱۲۹

فرهنگی و سیاسی؛ و با توجه به بار معنایی و ارزشی و الزامات خاص خود، برخی به جای «توسعه»، واژه «پیشرفت» را پیشنهاد دادند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰) تا اگر با شنیدن واژه «توسعه» بار منفی از فرهنگ غرب، به ذهن خطور می‌کند، از واژه «پیشرفت» بتوان مفهوم اسلامی را لحاظ کرد.

### ۲.۳ عصر نبوی

عصر نبوی که به آن عصر نزول هم گفته می‌شود یعنی فاصله زمانی بین شروع بعثت پیامبر اکرم (ص) تا زمان رحلت آن حضرت که مدت بیست و سه سال به طول انجامید. در این مقاله مدت زمان (۱۰ سال) حضور پیامبر در مدینه بعد از هجرت مورد نظر است.

هم‌چنین، سیر بحث بر اساس ترتیب نزول تدریجی سوره‌های قرآن کریم که استاد معرفت در التمهید آورده، بیان شده است. سوره فتح جزو سوره‌های مدنی و در ترتیب نزول، صد و دوازدهمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. (معرفت، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۳۹)

### ۴. مراحل پیشرفت

قرآن کریم در آیه آخر (۲۹) سوره فتح به مراحل پیشرفت جامعه اسلامی اشاره کرده و پیامبر (ص) را به باغبانی تشبیه می‌کند که بذر (یارانش) را در دل زمین پنهان می‌کند. از این بذرها، پس از مدتی جوانه و برگ‌ها سر برمی‌آورد و محکم می‌شود و ... (و مَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ) (فتح، ۲۹) و اما توصیف‌شان در انجیل چنین است که وجودشان چون زراعتی است که جوانه‌های خود را رویانده، پس تقویتش کرده تا ستر و ضخیم شده، و در نتیجه، بر ساقه‌هایش ایستاده است، به طوری که دهقانان را [از رشد و انبوهی خود] به تعجب می‌آورد تا خدا به وسیله [انبوهی و نیرومندی] مؤمنان، کافران را به خشم آورد.

تعبیرهای این آیه نشان می‌دهد که گسترش اسلام، دارای مراحل و دوره‌های طبیعی رشد و بالندگی است که این سرعت، از پیدایش اسلام تا استقرار و شکوفایی آن، مایه شگفتی دین‌شناسان و خشم کافران می‌شود. (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۶: ج ۱۷، ص ۴۵۲)

با توجه به تشبیه در آیه، مراحل تحول و پیشرفت جامعه نبوی به پنج مرحله تقسیم می‌شود. از آنجا که هدف این مقاله بررسی مراحل پیشرفت اسلام در مدینه منوره است، به صورت کوتاه به سه مرحله پیشرفت اسلام در مکه اشاره می‌کنیم که عبارتند از:

مرحله دعوت علنی و رویش مخفی: در آیه آخر سوره فتح در مثل انجیل تعبیر (كَزْرَعٍ) آمده است یعنی همان طور که باغبان بذر را در دل خاک پنهان می‌کند تا پس از مدتی سربرآورد، پیامبر اکرم (ص) نیز مثل باغبان، بذر اسلام را در دل برخی افراد مستعد پاشید و تا مدتی افراد پذیرنده دین در جامعه مکی مخفی و ناشناخته بودند؛ اگرچه دعوت پیامبر (ص) مثل بذریاشی کشاورز آشکارا و علنی بود.

این مرحله که با بعثت نبی مکرم اسلام (ص) و نزول آیات اولیه سوره علق (اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ...) (علق، ۱-۵) آغاز شد و با نزول سوره مُدَّثِّر (مکی ۴) مأموریت اصلی پیامبر (انذار دیگران) شروع شد. (قُمْ فَأَنْذِرْ) (مدثر، ۲)

مرحله دعوت رسمی و حضور علنی: تعبیر دوم مثل در آیه آخر سوره فتح (أَخْرَجَ شَطْأَهُ) است. بذری که پاشیده شد، از جوانب او جوانه بیرون می‌زند. پس از مدتی از مخفی بودن یاران، با نزول سوره ص (مکی ۳۸) برای دومین بار در سیر تنزیلی به پیامبر دستور انذار می‌دهد، که خودش را منذر معرفی کند و اعلام کند که هیچ معبودی جز خداوند یکتای قهار نیست: (قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِن إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ... إِنَّ يُوْحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ) (ص، ۶۵ و ۷۰) در سوره بعدی نزول هم تکرار شد: (إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ) (اعراف/ مکی ۳۹، ۱۸۴) و در ادامه همین سوره برای اولین بار پیامبر را بشیر معرفی می‌کند. (إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) (اعراف، ۱۸۸)

پیشرفت کمی در این مرحله با توجه به آشکار شدن یاران و دوری از بت‌ها، جمعیت مسلمانان رو به افزایش گذاشت.

مرحله دعوت فرمانطقه‌ای: تعبیر سوم در آیه آخر سوره فتح (فَأَزْرَهُ) دارد. وزر به معنای بار سنگین است، «آزر» از مصدر «موازره» به معنی معاونت است یعنی هر دو وزیر و کمک‌کار یکدیگرند. (راغب، ۱۴۱۲ق: ص ۸۶۸). در مثل این آیه نیز، از بذر جوانه می‌زند و این دو یکدیگر را تقویت می‌کنند و وزیر هم هستند.

با نزول آیه (فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ) (حجر/ مکی ۵۴، ۹۴) به پیامبر دستور می‌دهد که امت خود را جدا کن و از یکدیگر پشتیبانی کنی. بعد از این دستور با



مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی (ص) ... (محبوبه موسایی پور و دیگران) ۱۳۱

هجرت عده‌ای از تازه‌مسلمانان به حبشه و جای‌گیری عده‌ای دیگر در شعب ابی‌طالب قدرت تازه‌مسلمانان را نمایانند.

#### ۱.۴ مرحله تأسیس حکومت

تعبیر چهارم در آیه آخر سوره فتح (فَاسْتَعْلَظْ) می‌فهماند که از این به بعد بذر اسلام باید روی ساقه خودش ایستاده، بتواند مستقل باشد. با مطالعه کتاب‌های تاریخ و تفسیر بدست می‌آید که با نزول سوره عنکبوت (آیه ۲۶ و ۵۶)، هشتاد و پنجمین سوره مکی در روزهای آخر حضور پیامبر اکرم (ص) در مکه، دستور هجرت به یثرب صادر شده است و همه مسلمانان به سمت مدینه حرکت کردند.

با هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه تحول عظیم و چشم‌گیری بروز کرد و برای تأسیس دولت باید عناصر تشکیل دهنده آن شکل می‌گرفت: جمعیت، سرزمین، حکومت (ساختار حکومتی) و حاکمیت.<sup>۱</sup> (فیرحی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۳) پیامبر اکرم (ص) از ابتدای بعثت بنا بر هدف رسالت، برای ساختن فرد و جامعه حرکت کرد (حاکمیت) و با استقبال شهر یثرب، زمینه حکومت (سرزمین) مهیا شد. با هجرت نومسلمانان مکه و اسلام آوردن یثرب (جمعیت) تشکیل شد؛ و با نزول سوره بقره اولین سوره‌ای که در مدینه نازل شده است (واحدی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۲) شکل مادی و معنوی حکومت پایه‌ریزی شد. (ساختار حکومتی) بنابراین برای برقراری حکومت چهار رکن اصلی نیاز بود که حاکمیت با بعثت پیامبر همراه است ولی سرزمین مکه پذیرای آن نشد و با استقبال یثرب سرزمین مهیا شد و دو رکن جمعیت و ساختار حکومتی را در ادامه شرح می‌دهیم:

#### ۱.۱.۴ هجرت به یثرب

هجرت به یثرب نقطه عطفی در جامعه نوین اسلامی بوده است که جا دارد در این پژوهش از کیفیت آن و نقش آن در زمینه‌سازی حکومت اسلامی بحث کنیم.

#### ۱.۱.۱.۴ کیفیت هجرت

هم‌چنان که گذشت در سوره عنکبوت که در روزهای آخر حضور پیامبر اکرم (ص) در مکه نازل شد، دستور هجرت به یثرب صادر شده است. ابتدا در این سوره، از حضرت ابراهیم

نقل می‌کند: (قَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (عنکبوت، ۲۶) حضرت ابراهیم گفت من به سوی پروردگارم مهاجرت می‌کنم که در حقیقت او عزیز و حکیم است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ص ۱۸۰؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۰، ص ۱۶۰) که باز هم تشویق مسلمانان به هجرت از آن برداشت می‌شود. منظور از مهاجرت به سوی پروردگار، دوری از وطن، و بیرون شدن از بین قوم و فامیل مشرک و رفتن به سرزمین غربت با تحمل سختی‌ها برای خداست، تا کسی مانع یکتاپرستی‌ام نشود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ص ۱۸۰)

در ادامه سوره می‌فرماید: (يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ) (عنکبوت، ۵۶) با توجه به زمان نزول آیه در اواخر حضور پیامبر در مکه و سخت‌گیری بیش از حد مشرکان و تهدید به فتنه و عذاب، خداوند به مؤمنان دستور هجرت داد. مراد از زمینی که وسیع است مدینه است ولی با بیان (فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ) معیاری می‌دهد تا علت امر به هجرت روشن شود که عبارت است از این که هر وقت مسلمان در جایی نتوانست توحید و اقامه دین را اظهار کند، هجرت کند. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۰، ص ۱۹۵) چراکه هدف آفرینش انسان، بندگی خدا است و هر گاه این هدف اساسی و نهایی زیر پا بماند، راهی جز هجرت نیست، زمین خدا وسیع است، و باید به نقطه دیگری قدم نهاد. (مکارم، ۱۳۷۱: ج ۱۶، ص ۳۲۷)

گاه چشم‌پوشی از وطن سخت بوده و نگرانی از معیشت را به همراه دارد، لذا در ادامه می‌فرماید: کسانی مهاجرت می‌کنند که صبر کنند و بر پروردگارشان توکل کنند: (الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ \* وَكَأَيُّنَ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (عنکبوت، ۶۰ و ۵۹) اگرچه صبر مطلق بیان شده؛ ولی با توجه به سیاق، صبر بر مصیبت مراد است. درضمن به مهاجران پیام می‌دهد که نگرانی از معیشت هم نداشته باشید چون رزق همه بندگان به عهده خدا است، و او به مهاجران در هجرت روزی می‌دهد، هم چنان که در وطن روزی می‌داد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ص ۲۱۸)

به هنگام ورود پیامبر اکرم (ص) به یثرب، مردم این شهر با شور و علاقه فراوان از آن حضرت استقبال کردند و زنان و کودکان سرودی با مطلع ذیل می‌خواندند:

طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا مِنْ تَيِّبَاتِ الْوَدَاعِ      وَجَبَ الشُّكْرُ عَلَيْنَا مَا دَعَا لِلَّهِ دَاعِ

(ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۱۹۸)

ماه شب چهارده از گردنه وداع (یکی از ورودی‌های یثرب) بر ما درخشید. شکر خدا بر ما واجب است تا مادامی که کسی خدا را می‌خواند (تا روز آخر دنیا).

مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی (ص) ... (محبوبه موسایی پور و دیگران) ۱۳۳

سران و بزرگان قبایل، زمام نفاقه پیامبر اکرم (ص) را می گرفتند و می خواستند که حضرت در محله آنان فرود آید. حضرت فرمود: «راه شتر را باز کنید که او مأموریت دارد، هر جا بخوابد، من همان جا فرود خواهم آمد.» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۸۱) گویا حضرت با این تدبیر می خواست کسی رنجیده نشود. سرانجام شتر در محله بنی نجار به زمین نشست. حضرت دستور داد آنجا مسجد بنا کردند. (ابن هشام، بی تا: ج ۱، ص ۴۹۵)

#### ۲.۱.۱.۴ هجرت مکمل جمعیت اسلامی

تا پیش از هجرت به مدینه، مسلمانان فاقد تشکّل و نظام بودند و با هجرت زمینه تشکیل دولت اسلامی فراهم شد. این هجرت برای تشکیل جمعیت اسلامی چنان حیاتی بود که قرآن، آن را شرط ایمان برشمرد. (وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ) آنان (که به ظاهر ایمان آورده اما هجرت نمی کنند و طبعاً در کنار کفار هستند) آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید. بنابر این، از آنها دوستانی انتخاب نکنید، مگر این که (توبه کنند، و) در راه خدا هجرت نمایند. (نساء، ۸۹) و یا در جای دیگر می فرماید: (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجَرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجَرُوا) و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایتی در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! (أنفال، ۷۲) بنابر این لزوم هجرت به مدینه مطرح شده و کسانی که مهاجرت نکرده اند متهم به کفر شده اند مگر آنانی که توانایی هجرت نداشته اند. (جعفریان، ۱۳۷۳: ص ۳۹) ابن عربی می نویسد: «هجرت امری واجب در زمان رسول خدا (ص) بوده است.» (ابن عربی، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ص ۸۷۲)

پیامبر (ص) با هجرت به مدینه، از مرحله دعوت و تبلیغ به مرحله تأسیس دولت اسلامی منتقل شدند؛ (فیرحی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۲) و بر همین اساس اگر کسی مدینه را ترک می کرد مرتکب «التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ» شده و این از گناهان کبیره محسوب می شد. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۳، ص ۶۸۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۷۶) اعرابی (بادیه نشینی) به خودی خود ناپسند نیست بلکه مذمت آن به سبب ندانستن احکام دینی و بی بهره بودن از عمل بدان است، به همین سبب به کسی که پس از مهاجرت به دار الاسلام، به وادی کفر برگردد و در کنار اعراب سکونت گزیند، «التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ» اطلاق می شد. (جعفریان، ۱۳۷۳: ص ۴۱؛ دستغیب، ۱۳۷۹: ص ۳۰-۳۹)

#### ۲.۱.۴ حکومت (ساختار حکومت)

شکل ظاهری و رسیدگی به امور مادی با بنای مسجد و محور قرار دادن آن در امور مختلف، و شکل معنوی دولت با محتوایبخشی نظام و تنظیم پیمان‌نامه‌ها صورت گرفت:

- ۱- ساختار فیزیکی: بنای مسجد که ظاهری مادی دارد، باید محور و هسته مرکزی حکومت دینی باشد ولی نشان از آن دارد که حتی در ساخت و ساز مادی باید امور معنوی لحاظ شود.
- ۲- ساختار معنوی: تنظیم چند قرارداد که امری معنوی است، زیربنای امور معنوی شد: پیمان‌نامه عمومی که جزء اقدامات اولیه پیامبر در مدینه بوده است. پیمان‌نامه برادری پیمانی هم بین خود مسلمانان برقرار شد معروف به «عقد أُخُوْت» و پیمان‌نامه عدم تجاوز.

#### ۱.۲.۱.۴ ساختار مادی حکومت، بنای مسجد

پیامبر اکرم (ص) در مسیر هجرتش از مکه، روز دوشنبه ۸ ربیع الاول وارد دهکده قُبا شدند و در قبیله «بنی عمرو بن عوف» منزل کلثوم بن هدم اقامت کردند. (سمهودی، ۱۴۱۹: ج ۱، صص ۲۴۷-۲۵۶) و صبح روز جمعه از آنجا خارج شدند. به جهت اهمیت و ارزش بنای مسجد، آن حضرت با آن که کمتر از یک هفته در این روستا حضور داشت، اقدام به ساخت مسجد «قُبا» کرد. (ابن شُبَّه، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۵۷؛ ابن هشام، بی تا: ج ۱، ص ۴۹۴).

آن حضرت در بدو ورود به مدینه، نیز پیش از هر اقدامی، برای تحکیم حکومت نوظهور اسلام در مدینه و برپایی تشکیلات اجتماعی مسلمین، مسجدالنبی را بنا کردند. (سمهودی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۲۵۵؛ ابن هشام، بی تا: ج ۱، ص ۴۹۶)

در بنای مسجد همه مسلمانان شرکت داشتند ولی از همه مهم‌تر حضور فعال خود پیامبر بود که با زحمت فراوان خشت‌ها را به دوش می‌کشیدند، اصحاب چنان متأثر شده و از ایشان خواستند تا کناری نشسته و فقط ناظر بر امور باشند؛ ولی حضرت نپذیرفته و چنین زمزمه می‌کردند:

لَا عَيْشَ إِلَّا عَيْشُ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ ارْحَمِ الْأَنْصَارَ وَالْمُهَاجِرَةَ

(ابن شُبَّه، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۵۷؛ ابن هشام، بی تا: ج ۱، ص ۴۹۶)

زندگی آخرت زندگی است؛ خدایا به مهاجر و انصار رحم کن؛ در مقابل جدیت پیامبر مسلمانان نیز تحت تأثیر واقع شده و ارادت خود را با اشعاری چنین زیر لب زمزمه می‌کردند:

مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی (ص) ... (محبوبه موسایی پور و دیگران) ۱۳۵

لَئِنْ قَعَدْنَا وَالنَّبِيُّ يَعْمَلُ لَذَاكَ مِنَّا الْعَمَلُ الْمُضَلَّلُ

(ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۲۱۶؛ ابن هشام، همان)

اگر ما بنشینیم و پیامبر کار کند، در حقیقت کار ناروایی انجام داده‌ایم.

پیامبر درباره این مسجد زیاد سفارش فرمودند و یک نماز در آن را افضل از هزار نماز در مساجد دیگر غیر از مسجدالحرام دانستند. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۹، ص ۲۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۷، ص ۱۴۸) و مردم را به رفتن به آن ترغیب فرمودند. (سمهودی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۴۱۵) پس از تکمیل مسجد، در کنار آن، دو حجره جهت سکونت پیامبر و همسرانش (سوده و عایشه) ساخته شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۱۸۵) و حضرت از خانه ابویوب انصاری به آنجا منتقل شد. (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۱۴۳) مهاجران نیز در اطراف مسجد خانه‌هایشان را بنا کردند و آن‌هایی که مجرد بودند در ضلع شمالی مسجد جا گرفتند که به صُفّه معروف است. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۱۹۶)

بنا به گفته امام باقر (ع) و نیز ابن عباس آیه (لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْضِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ) (بقره، ۲۷۳) (انفاقِ شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطن‌های خویش آواره ساخته؛ و شرکت در میدان جهاد، به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتي بزنند؛) نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به‌دست آورند؛) و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند؛ در باره اصحاب صُفّه نازل شد. (ابن سعد، همان؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق: ج ۲، ص ۶۶۶) آنان نزدیک به چهارصد نفر بودند که در مدینه نه خانه‌یی داشتند و نه خویشاوندی و خداوند مردم را به پرداخت صدقه به ایشان تشویق فرموده است. (ابن سعد، همان). جمله (يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ) در این آیه دلالت دارد بر این که مؤمنانی مثل اصحاب صُفّه با این که فقیرند، تا آنجا که می‌توانند تظاهر به فقر نمی‌کنند، مگر این‌که از شدت فقر علایمی در وجود آنان مشخص شود و دیگران بفهمند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ق: ج ۲، ص ۶۱۳)

در صدر اسلام مسجد تنها مرکز عبادی نبود، بلکه در امور فرهنگی، فعالیت‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، امور قضایی، نظام آموزشی و ... نقش مؤثری داشت. (رک. نوبهار، ج ۲) مسجد کارکردهای مختلفی داشته و دارد و هنوز هم کارکردهای فراوانی از آن انتظار می‌رود.

#### ۲.۲.۱.۴ ساختار معنوی حکومت، تنظیم پیمان‌نامه

برای برپایی حکومت اسلامی به شیوه‌نامه‌هایی در رابطه با مسلمانان و نیز ارتباط با غیرمسلمانان نیاز است تا بتوانند بر اساس آن، مباحث اجتماعی را پیش ببرند.

معادل «پیمان» در عربی واژه عهد و میثاق است که در بیش از سی آیه سوره بقره به اهمیت عهد و پیمان و منع از نقض آن اشاره دارد و این نشان‌گر اهمیت راهبردی و ظرفیت اثرگذاری عهد و پیمان بر استحکام‌بخشی و تداوم روند جامعه‌سازی دینی در عصر نبوی در دوران حضور پیامبر اکرم (ص) در مدینه است. (چهری و بهجت‌پور، ۱۳۹۵: ص ۹۹) پیامبر با ورود به مدینه تأکید ویژه‌ای بر پیمان‌نامه دارند و مهم‌ترین مؤلفه بر استحکام‌بخشی به جامعه نبوی پایبندی به عهد و میثاق بوده است. پیامبر پیمان‌نامه‌ای میان مسلمانان (مهاجران و انصار) (ابن‌هشام، بی تا: ج ۱، ص ۵۰۴) و پیمان‌نامه‌ای دیگر میان همه اقشار جامعه مدینه (ابن‌هشام، بی تا: ج ۱، ص ۵۰۱ - ۵۰۴) و به ویژه پیمان‌نامه‌ای با سه قبیله یهودی بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۴۳) منعقد کردند.

#### ۱.۲.۲.۱.۴ پیمان برادری (عقد أُخوت)

در اقدامات اولیه پیامبر در مدینه، پیمانی معروف به «عقد أُخوت» بین خود مسلمانان برقرار شد: پیمان برادری میان نود نفر بسته شد که چهل و پنج تن از مهاجران و چهل و پنج تن از انصار بودند و گفته شده است صد نفر بودند، از هر گروه پنجاه نفر. (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۸۴) ابن‌هشام نیز اسامی مهاجر و انصاری که عقد برادری بستند برشمرده است. (ابن‌هشام، بی تا: ج ۱، ص ۵۰۵) این پیمان در ماه‌های نخستین هجرت صورت گرفت؛ برخی مورخان زمان آن را ماه پنجم هجری (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۴۶۰) و برخی ماه هشتم می‌دانند. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۲۸) شاید علت اختلاف، از پیوستن دیگر مسلمانان به این پیمان به صورت تدریجی ناشی بوده است. (هدایت‌پناه، ۱۳۸۱: ص ۲۵۶)

از امیرالمؤمنان (ع) نقل شده است که فرمود: رسول خدا میان مردم پیوند برادری بست و مرا واگذاشت. گفتم: ای رسول خدا، یاران خود را با یکدیگر برادر کردی و مرا تنها گذاشتی؟ فرمود: تو را برای خود نگاه‌داشتم. تو در دنیا و آخرت برادر منی. (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷: ج ۷ ص ۳۳۵)

مؤاخات در مرحله نخست دو به دو بین مسلمانان برقرار می‌شد ولی با نزول آیه (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) (حجرات، ۱۰) برادری عمومی اعلام و مؤاخات وارد مرحله جدیدی شد.

مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی(ص) ... (محبوبه موسایی پور و دیگران) ۱۳۷

این دو مرحله بر اساس مقتضیات زمان و سیر تکاملی جامعه مسلمانان بود. (هدایت پناه، ۱۳۸۱: ص ۲۵۶)

#### ۲.۲.۲.۱.۴ پیمان نامه عمومی

پیامبر اکرم(ص) پس از استقرار در یثرب باید وضع اجتماعی جامعه نوپا را سر و سامان می داد. بنابر این برای برقراری زندگی مسالمت آمیز میان مسلمانان و دیگران چون یهودیان، پیمان نامه ای را تنظیم فرمود؛ که برخی مفاد آن چنین است: مسلمانان و یهودیان بومی امت واحد به شمار می آیند؛ مسلمانان و یهودیان در پیروی از دین خود آزادند؛ امضا کنندگان این پیمان، دفاع مشترک از مدینه را به عهده خواهند داشت؛ مدینه شهر مقدسی است و هر نوع خونریزی در آن حرام خواهد بود؛ مرجع رفع اختلاف احتمالی در میان امضا کنندگان این پیمان، محمد(ص) خواهد بود. (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۱۴۷؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۴۶۲-۴۶۵)

بررسی سیر حوادث، نشان می دهد که این پیمان که جزء اقدامات اولیه پیامبر در مدینه بود، در حفظ آرامش شهر مؤثر بوده است و تا سال دوم هجری و فتنه قبیله یهودی بنی قینقاع هیچ تشنجی در میان مردم مدینه ثبت نشده است. (پیشوایی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۶)

ابن اسحاق می گوید که از ابتدای سوره بقره تا آیه ۱۰۰ (أ وَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ) در مورد منافقان از اخبار یهود و اوس و خزرج نازل شده است؛ بلکه سیاق آیات نشان می دهد تا آیه ۱۷۰ در موقعیت یهود است. (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۱۹۶؛ دروزه، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۱) البته همه اهل یهود معاند نبودند، قرآن از حق جوینان قوم یهود تمجید نموده و بیان کرده است که همه اهل کتاب یکسان نیستند، بلکه برخی ایمان آوردند و از صالحان هستند (آل عمران، ۱۱۳-۱۱۵) و حتی برخی از آنان به اسلام گرویدند. روایتی از امام باقر(ع) در ذیل آیه ۷۶ سوره بقره نقل شده است که برخی از یهودیان درباره صفت حضرت(ص) که در تورات آمده، گفتگو می کردند. (طوسی، بی تا: ج ۱، ص ۳۱۶)

#### ۳.۲.۲.۱.۴ پیمان عدم تجاوز با سه قبیله یهودی

پیامبر علاوه بر پیمان نامه عمومی بین مسلمانان و یهودیان مدینه، پیمان نامه ای هم با سه قبیله یهودی بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه منعقد ساخت که می توان آن را «پیمان عدم تجاوز» نامید. آنان در این پیمان نامه متعهد شدند که با دشمنان مسلمانان همکاری نکرده و گامی بر ضرر مسلمانان برندارند و ... (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۴۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ص ۶۹)



پیشوایی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۹) شاید بتوان گفت یهودیان مخالف و مخاطب پیامبر در قرآن همین‌ها باشند. (پیشوایی، همان)

بنی قینقاع هم پیمان خزرج، و بنی نظیر و بنی قریظه هم پیمان اوس بودند و جنگ‌های طولانی داشتند که با ورود اسلام به مدینه به نزاع‌ها خاتمه دادند و آیه (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ... \* وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ ...) (بقره، ۸۴-۸۶) ناظر به آن است. (یوسفی غروی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۷۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۳۰۳) به خاطر شدت اهتمام به عهد، جمله (لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ) خبری آورده شد ولی با توجه به سیاق آیه، دلالت بر نهی می‌کند. اراده نهی از جمله خبری، می‌رساند که نهی کننده در عدم تحقق منهی خود در خارج هیچ شکی ندارد، و تردید ندارد که آن عمل را نهی شونده مرتکب نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۳۲۹)

#### ۳.۱.۴ پیشرفت کمی مرحله چهارم

این مرحله که بعد از هجرت به یثرب و با نزول سوره بقره آغاز شد. آرام‌آرام شهر یثرب به مدینه‌النبی تغییر نام یافت (سمهودی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۸؛ یوسفی غروی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۶۹) و حکومت نوپای اسلامی که هدف بعثت پیامبر اکرم (ص) بوده است، شکل گرفت و نظام سیاسی «دولت - شهر» جاگزین نظام قبیله‌ای شد. (فیرحی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۹)

با گذشت یک سال از ورود رسول خدا (ص) به مدینه (از ماه ربیع الاول تا صفر سال بعد) بنای مسجد و خانه‌های اطراف آن به پایان رسید و بیشتر مردم مدینه مسلمان شدند و کم‌تر خانه‌ای بود که همه اهل آن خانه مسلمان نباشند، تنها چند خانوار به نام‌های: خطمه، واقف، وائل و امیه که از قبیله اوس بودند در حال شرک باقی مانده و اسلام اختیار نکردند. (ابن هشام، بی تا: ج ۱، ص ۴۳۷)

به هر حال، آن قدر گسترش اسلام چشم‌گیر بود که در نخستین غزوه به نام غزوه بدر کبری در سال دوم هجری، جمعیت مسلمانان کم بود بطوری که تنها سیصد و سیزده مرد جنگجو پیامبر را همراهی کردند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۴۷)، ولی در فتح مکه به سال هشتم هجری، جمعیت مسلمین فراوان شد بطوری که جنگجویان مسلمان به ده هزار نفر از قبایل مختلف رسیده بودند. (ابن هشام، بی تا: ج ۴، ص ۶۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۱۹)



#### ۲.۴ مرحله تبلیغ حکومت (دعوت جهانی)

آخرین تعبیر در آیه آخر سوره فتح (فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ) در باره مرحله پنجم تحول و پیشرفت عصر نبوی است. «سوق» جمع ساق است یعنی بر روی ساقه‌ها ایستاده و محکم شده است. آن وقت کشاورزها را به شگفت می‌آورد! (يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ)؛ اشاره به آن که پیشرفت اسلام یک چیز شگفت‌آوری بود؛ نه شما مسلمانان فکر می‌کردید که پیروز می‌شوید و نه دشمنان فکر می‌کردند! پیروزی شما کفار را به خشم می‌آورد. (لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ).

بعد از صلح حدیبیه در سال ششم هجری و در راه برگشت به مدینه، با نزول سوره فتح، خداوند این صلح را «فتح آشکار» نامید: (إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا) (فتح، ۱) و به راستی پیروزی آشکاری برای مسلمانان فراهم شد. در محرم سال هفتم هجری پیامبر به سران ممالک اطراف نامه نوشت (احمدی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۱۸۳) یعنی اسلام نه تنها از مرز مدینه گذشت، بلکه به فکر ارسال تفکر اسلامی به جهان افتاد. در سال بعد، با فتح مکه گروه گروه به اسلام گرویده و حکومت «دولت - شهر» به حکومت «دولت - امت» توسعه یافته است.

#### ۱.۲.۴ صلح حدیبیه

قریش در مکه و یهود در مدینه با پیامبر مقابله می‌کردند. اگر چه قریش و یهود نپذیرفتند که به ندای حق گوش فرادهند و حتی همواره بر جنگ با اسلام پا می‌فشردند ولی کم‌کم به بیهودگی دشمنی خود و دوری از حق پی‌برده و دریافتند که هرچه می‌گذرد، اسلام رو به پیشرفت جدی‌تر است؛ پس به فکر صلح با مسلمانان افتادند. رسول خدا (ص) در سال ششم هجری خواب دید که با آرامش و امنیت به مسجد الحرام وارد می‌شود. (عاطف الزین، ۱۳۷۹: ص ۸۰۹ -۸۱۱) سپس، خداوند وعده می‌دهد که دین حق اسلام بر همه پیروز می‌شود: (لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا \* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا) (فتح، ۲۷ و ۲۸) خداوند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت؛ به‌طور قطع همه شما بخواست خدا وارد مسجدالحرام می‌شوید در نهایت امنیت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده‌اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می‌دانست که شما نمی‌دانستید (و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (برای شما) قرار داده است \* او

کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادایان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد!

بعد از این رؤیای صادق، پیامبر به قصد مسجد الحرام حرکت کرد تا به دور از جنگ و خونریزی، خانه خدا را زیارت کند. (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۳۳۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۰۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۰، ص ۳۵۰) حرکت در ماه حرام (احتمالاً ذی القعدة) بوده است. از آنجایی که جنگ در ماه حرام در نظر قریش و قوم عرب حرام بود، قریشیان نه می توانستند با مسلمانان مقابله کنند و نه می توانستند راضی شوند که آنان به مکه وارد شوند. اگر از ورود مسلمانان جلوگیری می کردند خلاف سنت عرب بود که ورود به مکه برای پیروان تمام ادیان در ماه های حرام آزاد بود و اگر جلوگیری نمی کردند ممکن بود مسلمانان با ورود به شهر، مکه را تصرف کنند و دیگران نیز آن را دلیل بر ضعف قریش در برابر مسلمانان تلقی کنند. (عاطف الزین، ۱۳۷۹: ص ۸۲۱) لذا قریشیان پیشنهاد صلح دادند.

جلوگیری قریش از ورود مسلمانان و گروگان گرفتن سفیر آنان، موجب ناراحتی و هیجانی شدن برخی از مسلمانان شد. حضرت برای این که آتش هیجانات مسلمانان را فرونشاند، زیر درختی ایستاد و از آنان خواست تا با وی بیعت کنند که تا پای جان از پیامبر و دین حمایت کنند و از مرگ روی نگردانند. این بیعت به بیعت رضوان معروف شد. (واقعی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۶۱۹؛ ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۳۱۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۴) (لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا) (فتح، ۱۸) خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دلهای شان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست؛ از این رو آرامش را بر دلهای شان نازل کرد و پیروزی نزدیکی به عنوان پاداش نصیب آنها فرمود.

چند دوره مذاکره بین نمایندگان دو طرف، به نگارش پیمان مشهور به «صلح حُدیبیه» انجامید. بعضی مفاد آن این که: جنگ بین طرفین به مدت ده سال متوقف شود و همه مردم در امنیت کامل باشند؛ محمد و مسلمانان در آن سال وارد مکه نشوند، ولی در سال آینده به مدت سه روز و بدون سلاح برای زیارت وارد مکه شده، قریش همان موقع از مکه بیرون روند. (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۳۳۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۰۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۱۷۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۰، ص ۳۵۰؛ پیشوایی، ۱۳۹۷: ص ۲۶۴)

مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی(ص) ... (محبوبه موسایی پور و دیگران) ۱۴۱

نتایج پیمان صلح حدیبیه: صلح حدیبیه برای مسلمین نتایجی به همراه داشت نظیر: به رسمیت شناختن مسلمانان از طرف مشرکان؛ برقراری ارتباط بین طرفین و فرو ریختن دیوار آهنینی که بین مسلمانان و مشرکان بود و مانع از برقراری ارتباط بین دو طرف می شد؛ آسودگی خاطر مسلمانان از درگیری با قریش و پاکسازی دشمنان اطراف مدینه؛ فتح مکه. در بندی از صلح نامه عدم تعرض به هم پیمانان طرف دیگر اعلام شده بود ولی حمله قریش به قبیله خزاعه که با مسلمانان متحد شده بودند، نقض پیمان شمرده شد و به دنبال آن پیامبر(ص) به فتح مکه اقدام کرد. (واقعی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۶۲۴؛ ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۳۲۸؛ پیشوایی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۷)

این صلح پیروزی بزرگی را برای مسلمانان به ارمغان داشت که در راه برگشت از حدیبیه و با نزول سوره فتح (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۳۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ص ۹۸) خداوند این صلح را «فتح آشکار» نامید: (إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا) (فتح، ۱) به راستی ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم آوردیم.

#### ۲.۲.۴ نامه به پادشاهان

در ذی الحجه سال ششم هجری، پیامبر(ص) از صلح حدیبیه برگشت، سفیران خود را پیش پادشاهان فرستاد و برای ایشان نامه نوشت و آنان را به اسلام دعوت فرمود (دروزه، بی تا، ج ۲، ص ۲۵)؛ ۳۱۶ نامه به اطراف فرستاد که هم اکنون متن ۱۸۵ نامه و پیمان نامه موجود است؛ از میان این ۱۸۵ نامه و میثاق نامه، ۶۸ نامه به پادشاهان، بزرگان قبایل و راهبان است. (احمدی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۱۸۲ و ج ۲ ص ۳۱۷ - ۵۰۸؛ نصیری، ۱۳۸۹: ص ۱۲۵)

در محرم الحرام سال هفتم هجری شش نفر از سفیران آن حضرت از مدینه بیرون رفتند و هر یک از ایشان به زبان قومی که پیش ایشان فرستاده می شد، صحبت می کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۹۸؛ احمدی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۱۸۲) رسول خدا وقتی نامه نگاری به پادشاهان را آغاز کرد، مهری با نقش «محمد رسول الله» برای خود مهیا کرد. (ابن سعد، همان؛ احمدی، همان)

### ۳.۲.۴ فتح مکه

یکی از مفاد صلح حدیبیه، عدم تعرض هر یک از طرفین بر ضد هم‌پیمان دیگری بود ولی مشرکان مکه با حمایت از بنی‌بکر در حمله به خزاعه و کشتن ۲۰ نفر از مسلمانان خزاعه، این بند را نقض کردند. پیامبر اکرم (ص) به جهت تنبیه قریشیان دستور حمله به مکه را صادر کرد. سپاه اسلام از چند طرف وارد مکه شدند و سعد بن عباده که پرچم اسلام در دست داشت، فریاد می‌زد که «اليوم يوم الملحمة...»: امروز روز انتقام است و خداوند قریش را خوار کرد. این سخن به گوش پیامبر رسید؛ فرمود: «اليوم يوم الرحمة، اليوم أعز الله فيه قریشاً»: خدا امروز قریش را عزیز کرد؛ آن‌گاه پیامبر (ص) به علی (ع) دستور داد که پرچم را از دست سعد گرفت [بنا بر بعضی اقوال، پرچم به پسر سعد، قیس بن سعد داده شد (ابن کثیر، ۱۹۷۱: ج ۳، ص ۵۵۹)] و در رکن حجر الاسود نصب کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۰۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۵۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۳۸۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۶۰ و ۱۳۴)

پس از فتح مکه، مردان و زنان مکه با رسول خدا (ص) بیعت کردند. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۵، ص ۵۲۷؛ یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۶۱). آیات سوره ممتحنه به این بیعت اشاره کرده است: (يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (ممتحنه، ۱۲) ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است!

### ۴.۲.۴ پیشرفت کمی مرحله پنجم

این مرحله با صلح حدیبیه و نزول سوره فتح آغاز شد. پیامبر در ذی‌الحجه سال ششم هجری که به قصد زیارت خانه خدا به سوی مکه حرکت کرده و مسلمانان را برای شرکت در این سفر تشویق کردند، جمعیتی حدود هزار و چهارصد نفر با لباس احرام بر تن و بدون سلاح جنگی حضرت را همراهی می‌کردند. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۹) ولی در دو سال بین صلح حدیبیه

مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی (ص) ... (محبوبه موسایی پور و دیگران) ۱۴۳

و فتح مکه بسیاری از مشرکان مسلمان شدند و در سال هشتم هجری که پیامبر برای فتح مکه حرکت کرده بود جمعیت ده یا دوازده هزار نفری آن حضرت را همراهی می‌کردند. (ابن هشام، همان، ص ۴۰۰)

با فتح مکه، دایره حکومت اسلامی از شهر مدینه به شهرهای اطراف و نظام «دولت - شهر» به نظام «دولت - اُمت» توسعه یافت و آن قدر بر دایره مسلمانان افزوده شد که حتی مشرکان مکه که سخت با حضرت مقابله می‌کردند بعد از فتح مکه چاره‌ای جز تسلیم شدن نداشتند. در سوره نصر (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ \* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا) بشارتی است که بعد از پیروزی پیامبر بر دشمنان و مشرکان قریش و بعد از فتح مکه، گروه گروه به اسلام می‌گروند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ص ۸۴۴) این آیه قبل از فتح مکه نازل شد چراکه کلمه «اذا» ظهور در آینده دارد و این پیش‌گویی از آینده است، خبر از امری است که هنوز رخ نداده و روشن‌ترین واقعه‌ای که می‌تواند مصداق این نصرت و فتح باشد، فتح مکه است، چون فتح مکه در حیات رسول خدا (ص) و در بین همه فتوحات، اُمّ الفتوحات و نصرت روشنی بود که بنیان شرک را در جزیره العرب ریشه‌کن ساخت. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ص ۶۵۱)

## ۵. نتیجه‌گیری

با تأمل در آیات قرآن کریم به ویژه آیه آخر (۲۹) سوره فتح و تاریخ صدر اسلام و بررسی کتاب‌های تفسیری، تاریخی و سیره پیامبر اکرم (ص) نتایج ذیل بدست می‌آید:

۱- خداوند در آیه آخر (۲۹) سوره فتح، پیامبر اکرم (ص) و یارانش را به دو مَثَل در تورات و انجیل وصف می‌کند. بر اساس مَثَل دوم که در انجیل آمده و با توجه به تاریخ عصر نبوی به دست می‌آید که مراحل پیشرفت در دوران حضور پیامبر اکرم (ص) در مدینه در دو مرحله صورت پذیرفته است: مرحله تأسیس حکومت اسلامی (هجرت به مدینه بعد از نزول سوره عنکبوت شروع و حکومت با حضور در مدینه و نزول سوره بقره تأسیس شد) و مرحله دعوت جهانی و تبلیغ حکومت اسلامی (بعد از صلح حدیبیه و نزول سوره فتح).

۲- با بیعت عقبه دوم در سال سیزدهم بعثت با مسلمانان یثرب و با نزول سوره عنکبوت، و به دستور پیامبر، هجرت مسلمانان از مکه به سوی مدینه آغاز و با ورود حضرت به مدینه، ساختار مادی و معنوی حکومت شکل گرفت:

الف - مسجد، فضای مادی حکومت، محور امور قرار گرفت و با توجه به محدوده جغرافیایی حکومت در شهر مدینه دولت شهر اسلامی تأسیس شد. آرام آرام جمعیت مسلمانان و محدوده جغرافیایی رو به افزایش بود.

ب - ساختار معنوی حکومت نوپای اسلامی با نزول تدریجی سوره‌ها و تنظیم پیمان‌نامه‌هایی بین خود مسلمانان و بین مسلمانان و دیگران در محیط مدینه و پیش‌گیری از هجمه برخی قبایل یهودی، موجب استحکام بخشی جامعه نوپا شده است.

۳- رسول خدا(ص) در سال ششم هجری بعد از رؤیای صادق، به قصد زیارت خانه خدا رو به سمت مکه حرکت کردند ولی جلوگیری قریش از ورود مسلمانان به مکه به «صلح خدیبه» انجامید. این صلح پیروزی بزرگی را برای مسلمانان به ارمغان داشته و دین وارد مرحله جدیدی شد.

۴- پس از نزول سوره فتح، پیامبر در یک روز به شش کشور دنیا نامه فرستاد و آنان را به اسلام دعوت کرد و پس از آن شهر مکه در سال هشتم هجری فتح شد. فضای حکومت اسلامی از شهر مدینه به اطراف و به ویژه مکه توسعه یافت و حکومت اسلامی به شکل «دولت - امت» بروز کرد.

### پی‌نوشت

۱. فیرحی می‌نویسد: «دانشمندان علم سیاست به طور معمول، عنصرهای چهارگانه‌ای را برای دولت در نظر می‌گیرند که عبارت است از: جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت.» (فیرحی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۲)

### کتاب‌نامه

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.  
نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور.  
ابن اثیر، علی بن محمد ابی‌الکرم الجزری، (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دارالفکر.  
ابن سعد (کاتب‌واقدی)، محمد بن سعد بن منیع، (۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م)، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.

مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی (ص) ... (محبوبه موسایی پور و دیگران) ۱۴۵

- ابن شُبّه نمیری، عمر بن شُبّه، (۱۳۸۰)، اخبار المدينة النبویه، تهران: نشر مشعر.
- ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبدالله، (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ابن عربی، محمد بن عبد الله، (۱۳۷۸ق)، أحكام القرآن، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار المعرفة.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م)، البداية و النهاية، بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۹۷۱م)، السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چ سوم.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام حمیری، (بی تا)، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة.
- احمدی میانجی، علی، (۱۴۱۹ق)، مکاتیب الرسول (ص)، قم: دار الحدیث.
- بیهقی، ابوبکر، (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۸۸)، درآمدی بر اصول تحول فرهنگی با الهام از نزول تدریجی قرآن، قم: بوستان کتاب.
- بهجت پور، عبدالکریم و بهجت پور، زینب، (زمستان ۱۳۹۶)، «پیشرفت جامعه اسلامی در قرآن، عرصه‌ها و راه کارها»، میثاق، ش ۲، ص ۲۵-۵۲.
- پیشوایی، مهدی، (۱۳۹۷)، تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر (ص)، قم: دفتر نشر معارف، چ ۳۸.
- جعفریان، رسول، (۱۳۷۳)، تاریخ تحول دولت و خلافت از برآمدن اسلام تا برافتادن سفیانیان، قم: بوستان کتاب.
- چهری، مجید و بهجت پور، عبدالکریم، (پاییز ۱۳۹۵)، تحلیلی بر ساختار و آسیب شناسی جامعه نبوی، حکومت اسلامی، ش ۸۱، صص ۸۷-۱۱۴.
- دروزه، محمدعزه، (بی تا)، سیره الرسول، بیروت: مکتبه العصریه.
- دستغیب، سیدعبدالحسین، (۱۳۷۹)، گناهان کبیره، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱۳.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد، (۲۰۰۳م)، تاریخ الاسلام و وقایع المشاهیر و الأعلام، محقق: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامی.



- رسولی محلاتی، سیدهاشم، (۱۳۹۲)، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف و امور خیریه، چ دوم.
- زرگری نژاد، غلامحسین، (۱۳۷۸)، تاریخ صدر اسلام عصر نبوت، تهران: سمت.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵)، فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ص)، قم: بوستان کتاب، چ ۲۱.
- سمهودی، علی بن عبدالله مصری، (۱۴۱۹ق)، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صالحی دمشقی، محمدبن یوسف، (۱۴۱۴ق)، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چ ۵.
- طبرسی، امین‌الاسلام فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چ سوم.
- طبرسی، امین‌الاسلام فضل بن حسن، (۱۳۹۰)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ سوم.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، تحقیق: محمدأبوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، چ دوم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاطف الزین، سمیح، (۱۳۷۹)، محمد در مدینه، مترجم: مسعود انصاری، تهران: فراین.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی، (۱۴۲۶ق)، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، قم: دارالحديث.
- فاکھی، محمد بن اسحاق، (۱۴۲۴ق)، أخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، محقق و مصحح: ابن دهیش، عبد الملک، مکه مکرمه: مکتبه الاسدی، چ چهارم.
- فیرحی، داود، (۱۳۸۶)، تاریخ تحول دولت در اسلام، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، الکافی، محقق و مصحح: دارالحديث، قم: دار الحديث.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ دوم.
- محمدزاده، عاطفه و احمدنژاد، امیر، (پاییز ۱۳۹۴)، بررسی دوره دعوت پنهانی پیامبر با تکیه بر مفهوم‌شناسی عبارت «فاصدع بما تؤمر»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۷۶، ص ۳۴-۵۹.



مراحل پیشرفت اسلام در عصر نبوی (ص) ... (محبوبه موسایی پور و دیگران) ۱۴۷

محمدی، رمضان؛ حسینیان مقدم، حسین و داداش نژاد، منصور، (۱۳۹۸)، تاریخ اسلام ۱ سیره رسول خدا (ص)، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.  
مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة، چ ۲.

مصطفوی، حسن، (۱۳۸۵)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت - قاهره - لندن: دار الکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چ سوم.

معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۶)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.

معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ ۲۶.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.  
مقام معظم رهبری (حسینی خامنه‌ای)، سید علی، (۱۳۹۸)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: موسسه ایمان جهادی، چ ۲۱.

مقام معظم رهبری (حسینی خامنه‌ای)، سید علی، سایت مقام معظم رهبری، <https://farsi.khamenei.ir>

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چ دهم.

ملاحویش، عبدالقادر آل‌غازی، (۱۳۸۲ق)، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی.

میرشریفی، سید علی، (۱۳۸۹)، آشنایی با تاریخ اسلام «پیام آور رحمت»، قم: نشر مشعر (سازمان حج و زیارت).

نصیری، محمد، (۱۳۸۹)، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم: دفتر نشر معارف، چ ۶۳.

نوبهار، رحیم، (۱۳۷۳)، سیمای مسجد، قم: اعتماد.

واحدی، علی بن احمد، (۱۴۲۶ق). أسباب النزول، تحقیق: ماهر یاسین الفحل، عربستان ریاض: دارالمیمان.

واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ط الثالثة.

هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب، چ ۵.

هدایت پناه، محمدرضا، (۱۳۸۱)، جایگاه پیمان برادری در حکومت نبوی، کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۶۱ و ۶۲، ص ۲۵۴ - ۲۷۴.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب واضح الکاتب العباسی، (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.

یوسفی غروی، محمد هادی، (۱۴۱۷ق)، موسوعة التأریخ الاسلامی، قم: مجمع الفکر الاسلامی.